

آموزش شغلی به افراد دیر آموز

نویسندگان: اکسوما، آر رامار و آدما، جی لوگان
مترجم: نازلی مشایخی / کارشناس مسئول دوره مهارت‌های حرفه‌ای

چکیده

نمی‌خورد. در مدارس عادی، زمان کمی برای آموزش موضوعات شغلی وجود دارد که ممکن است شامل هنر، صنایع دستی، بافندگی، خیاطی، کشاورزی و غیره باشد. ولی در مدارس استثنایی در حدود ۶۰ عنوان آموزش شغلی وجود دارد به علاوه، زمانی را برای تجربیات کاری، خدمات اجتماعی و supw (کارهای تولیدی مفید برای جامعه) داریم و دانش آموزان در این حیطه‌ها تا حد متوسطی موفق می‌شوند و احساس و اماندگی نمی‌کنند و با آرامش به آن فکر می‌کنند.

یکی از چالش‌های اساسی آموزش افراد دیرآموز کمک به آنها در انتخاب شغل می‌باشد^۳ اکثریت آنها به دلیل اینکه تجربیات کافی و موفقیت‌آمیزی در دبیرستان ندارند، باید درباره آینده شغلی خود ملاحظات را در نظر بگیرند و طبیعی است که به دنبال انتخاب یک حرفه برای تکمیل آموزش خود باشند.

آموزش مؤثر شغلی، انتقالی هموار از مدرسه به جامعه را تضمین می‌کند. آموزش شغلی یکی از عناصر مهم برنامه‌ریزی درسی افراد دیرآموز می‌باشد تا آنها بتوانند در زندگی به خود متکی بوده و به عنوان عضو مفیدی در جامعه مشارکت داشته باشند. لذا آموزش شغلی باید صلاحیت‌های مورد نیاز برای مشارکت کامل در زندگی واقعی را فراهم سازد. در این راستا معلمان باید بر برنامه‌های آموزشی تأکید داشته باشند که منجر به ارزیابی دقیقی از توانایی‌ها و علایق دانش آموزان شود. زیرا آنها باید به انتخاب

آموزش شغلی یکی از عناصر مهم برنامه ریزی درس دانش آموزان دیرآموز است و انتقالی همواره از مدرسه به جامعه را تضمین می‌کند. هدف از آموزش شغلی رشد عادات کاری، پرورش نگرش مثبت به کار و هموار کردن انتقال از طریق یادگیری مهارت‌های خاص حرفه می‌باشد. در آموزش شغلی به افراد دیرآموز باید ملاحظات خاصی در نظر گرفته شود مانند فراهم نمودن روش عینی گام به گام، طراحی برای موفقیت، استفاده از تقویت مثبت و... اتخاذ راهبردهای خاص در آموزش شغلی نه تنها منجر به تربیت دانش آموزانی خودکفا و اجتماعی می‌شود بلکه به تربیت نیروی انسانی کمک می‌شود که برای رشد کشور و ملت مورد نیاز است.

اهمیت آموزش رشته‌های شغلی در مدارس عادی

بسیاری از دانش آموزان دیرآموز در مدارس عادی آموزش می‌بینند زیرا ناتوانی آنها به حدی نمی‌باشد که در مدارس استثنایی باشند. مدارس استثنایی دانش آموزان را جهت خودکفایی فردی آماده می‌کنند. و روی رشد توانایی‌های شناختی تأکید نمی‌کنند. البته باید یادآوری نمود که افراد نابینا و ناشنوا قادر به رشد شناختی می‌باشند. مدارس استثنایی معمولاً به کارهای عملی اهمیت بیشتری می‌دهند بطوری که دانش آموزان راه‌هایی بیابند که در زندگی به خود متکی باشند. ولی این میزان توجه نسبت به کارهای عملی در مدارس عادی به چشم

شغل بپردازند. در صورتی که این افراد شغلی را انتخاب کنند که به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی، امکان موفقیت در آن وجود نداشته باشد، باید راهنمایی‌های لازم را به آنها ارائه دهند. باید به دانش‌آموزانی که علاقمندی خود را به حیطه‌ای خاص بیان می‌کنند، در انتخاب حرفه‌ای متناسب با توانایی‌هایشان کمک شود.

مفاهیم آموزش شغلی می‌تواند در خلال برنامه‌ریزی تحصیلی تدریس شود. روش ارائه درس، محتوای آموزشی را واقعی‌تر و با معناتر می‌سازد. به عنوان نمونه معلم ریاضیات دبیرستان، می‌تواند محاسبات اساسی جمع و تفریق را به عنوان مهارت‌هایی برای کنترل میزان مبلغ پول به کار گیرد. استفاده منطقی از ریاضیات به دانش‌آموزان کمک می‌کند ارتباط بین درس نظری و دنیای واقعی را دریابند. به علاوه آموزش‌های شغلی درهای بیشتری را برای آینده شغلی آنها باز می‌کند. دانش‌آموزان دیرآموز اغلب مایل هستند که در کارهای چوبی، فلزی، صنایع دستی، خیاطی و کارهای حصیری مشغول شوند که می‌توان از این علاقمندی به طور مؤثرتری استفاده نمود و مشارکت با معنایی را در کارها برای آنها ایجاد نمود. این امر نقش مهمی را در آموزش دانش‌آموزان دیرآموز بازی می‌کند.



عکس از: احسان زهتاب فرد

آموزش‌های شغلی از حیطه‌هایی هستند که بیشتر دانش‌آموزان دیرآموز با سهولت بیشتری در آنها موفق می‌شوند و به راحتی می‌توان این برنامه‌ها را برای آنها طراحی نمود. کارهای عملی که در مدرسه ارائه می‌شود باید متناسب با ظرفیت دانش‌آموزان و متکی بر شواهدی از مفید بودن و موفقیت نسبی دانش‌آموزان باشد. در مراحل اولیه آموزش، افراد دیرآموز نیاز دارند که سریع به موفقیت دست یابند و نمی‌توان از آنها انتظار داشت روی کاری مداومت نشان دهند که نتیجه قابل ملاحظه‌ای را در آن نمی‌بینند در اجرای آموزش‌های شغلی استفاده از استانداردهای مهارت کاملاً ضروری هستند ولی در عین حال نباید در اجرا روی مواردی تأکید داشت که دانش‌آموزان در آن احساس شکست کنند و علاقمندی و رضایت از کار را از دست بدهند. معلمانی که با استانداردهای آموزشی سطح بالاتری کار کرده‌اند، ممکن است تحمل استانداردهای پایین دانش‌آموزان دیرآموز را نداشته باشند ولی باید یادآوری نمود اگر دانش‌آموزان احساس کنند، آنچه که انجام می‌دهند با ارزش و لذت‌بخش است. می‌توانند استانداردهای کاری خود را بالا ببرند هر چه آنها بیشتر درگیر کار شوند کوشش بیشتری از خود نشان داده و می‌خواهند که کار خود را بهتر به پایان برسانند. بنابراین در مواقع ضروری راهنمایی‌ها و کمک‌های معلمان برای آن که دانش‌آموزان مشتاق‌تر کار کنند بسیار اهمیت دارد و این امر سه نقطه نظر دیگر را نیز مورد لحاظ قرار خواهد داد:

۱. دانش‌آموزان ارتباط خوبی با معلم پیدا می‌کنند که این امر تأثیر خوبی بر سایر جنبه‌های کاری مدرسه دارد.

۲. موجب افزایش نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت

۲. پرورش نگرش مثبت نسبت به کار

۳. هموار کردن انتقال

۱. رشد عادات کاری

مدارس به سختی می‌توانند آموزش‌های شغلی مناسب را به شکل متنوع و متناسب با آنچه دانش‌آموزان پس از ترک مدرسه با آن روبرو می‌شوند، ارائه دهند. به‌رحال با اینکه آموزش در حیطه‌ای خاص انجام می‌شود، ولی کارفرمایان ترجیح می‌دهند تا افراد را در حیطه‌هایی که خود بدان نیازمند هستند، آموزش دهند. اما آموزش موضوعات شغلی برخی ویژگی‌های یک کارگر خوب مانند پافشاری در انجام کار، استمرار فعالیت تا پایان کار را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. توانایی اینکه چگونه کار را تمام و یا ادامه‌دهی بدون اینکه منتظر فرد دیگری باشی که به تو بگوید بعد باید چه کار کنی.

در مواقع ضروری راهنمایی‌ها و کمک‌های معلمان، برای آن که دانش‌آموزان مشتاق‌تر کار کنند بسیار اهمیت دارد

دانش‌آموزانی که تشویق نشده‌اند در خانه و یا حتی در کلاس درس کارهایی را برای خود انجام دهند، به دلیل فقدان صلاحیت شخصی به سختی در رشته‌های شغلی، کاری را انجام می‌دهند. به همین دلیل معلمان باید فرصت‌های کافی برای دانش‌آموزان جهت کسب این مهارت‌ها بوجود آورند. معلم می‌تواند کارهای زیادی برای تقویت استقلال و ایجاد صلاحیت در دانش‌آموزان انجام دهد. وقتی معلمان با زحمات زیادی موجب پیشرفت دانش‌آموزان می‌شوند، این

به خود می‌گردد.

۳. لذت کارهای عملی، امکان پیشرفت بیشتری را در فراگیری مهارت‌های واقعی فراهم می‌سازد.

بنابراین اولین عامل اساسی این است که موفقیت دانش‌آموز باید تضمین شود و آنچه که انجام می‌گیرد برای آنها قابل ارزش باشد. این امر ضرورت آموزش‌های پیش حرفه‌ای یعنی آموزش مهارت‌های وابسته به شغل را ایجاب می‌کند.

آموزش پیش حرفه‌ای از دیگر اهداف مهم دوره دبیرستان می‌باشد. هر دو گروه دانش‌آموزانی که برای آموزش شغلی به کالج می‌روند و یا به طور مستقیم وارد بازارهای کاری می‌شوند، باید از آموزش پیش حرفه‌ای مناسب برخوردار باشند. براساس نظر مورسینک^۱ (۱۹۸۴) حیطه آموزش پیش حرفه‌ای شامل رشد مهارت‌های ذیل می‌باشد:

- جایگزینی مناسب شغلی؛

- پر کردن فرم درخواست کار؛

- موفق بودن در حین مصاحبه استخدامی؛

- پوشیدن لباس مناسب کار و رعایت بهداشت فردی؛

- داشتن عادات مطلوب کاری مانند وقت شناسی و صداقت در کار؛

- تعامل مناسب با همتایان، سرپرستان و افراد زیردست؛

- استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و خصوصی برای رفتن به کار و...؛

- درک و محاسبه میزان درآمد.

هدف از آموزش موضوعات شغلی

آموزش موضوعات شغلی سه هدف عمده دارد که عبارتند از:

۱. رشد عادات کاری

زندگی خود فرصت‌هایی را پیدا می‌کنند که این مهارت‌ها را بکار ببرند. ممکن است آنها از برخی فعالیت‌های خود، در مشاغل خانگی استفاده کنند. این امر اعتماد به نفس آنها را بالا برده و موجب نگرش مثبتی نسبت به کار در آنها می‌شود. آنها باید با راه‌های استفاده صحیح و غلط از ابزارها و وسایل آشنا شوند چون وقتی راه‌های انجام برخی امور را یاد می‌گیرند، احساس موفقیتی می‌کنند که موجب علاقه درونی آنها به کار می‌شوند این علاقه درونی موجب نگرش مثبت به کار می‌گردد و در نهایت دری را به روی عملکردهای شغلی آینده آنها باز می‌کند.

۳. هموار کردن انتقال

آماده کردن دانش‌آموزان برای استمرار آموزش، مسئولیت‌های بزرگسالی، استقلال و استخدام، همواره از اهداف دوره دبیرستان بوده است. بیشتر دانش‌آموزان وقتی دوره دبیرستان را به پایان می‌رسانند شغلی را پیدا می‌کنند، وارد برنامه آموزش حرفه‌ای می‌شوند و یا به کالج می‌روند بدون اینکه تجربه‌ای در ارتباط با نحوه سازگاری با مشکلات اساسی داشته باشند. ما می‌دانیم که میزان اخراج و بیکاری کارگران به خصوص در جوامع دارای مشکلات اقتصادی زیاد است و دورنما برای دانش‌آموزان با ناتوانی ممکن است حتی بدتر باشد (هندریک، مک میلان و بالو^۲ ۱۹۸۹؛ ولمن و همکاران^۳، ۱۹۸۹).

مطالعات در مورد آنچه در طی سال‌های مدرسه و یا بعد از آن برای دانش‌آموزان با ناتوانی اتفاق می‌افتد، بیانگر آن است که درصد بالایی از آنها در قیاس با افراد بدون ناتوانی، در انتقال از دوره نوجوانی به بزرگسالی و از مدرسه به جامعه دارای

امر رضایت زیادی به آنها می‌دهد. معلمی که دانش‌آموزان خود را بطور کامل نمی‌شناسد، به احتمال نمی‌تواند قضاوتی در مورد سودمند بودن کارش داشته باشد.

۲. نگرش نسبت به کار

آموزش شغلی موجب پرورش نگرش مثبت به کار می‌شود. در مکان‌های مختلف رشته‌های شغلی متنوعی وجود دارد همچنین آموزش شغلی از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر متفاوت می‌باشد. عناصر آموزش شغلی در دسترس مدارس، به طور عمده بستگی به نیازمندی‌های منطقه‌ای دارد که مدرسه در آن واقع شده است.



گرچه اکتساب مهارت‌های شغلی اولین اولویت آموزش نمی‌باشند ولی بسیار مهم می‌باشند. معمولاً دیرآموزان نه تنها در رشد مهارت‌ها بلکه در هماهنگی نیز دچار مشکل هستند و نیاز به فرصت‌هایی برای رشد آن دارند. نه فقط برای اینکه مهارت‌ها را یاد بگیرند، بلکه برای بالا بردن اعتماد به نفس خود برای انجام کار به فرصت بیشتری نیاز دارند. گرچه ممکن است دانش‌آموزان از کسب مهارت‌های شغلی خود در محیط کار و یا مدرسه استفاده نکنند، اما در

مشکل می‌باشند. بسیاری از اخراج شدگان مدرسه مشکلات زیادی را در پیدا کردن و نگهداری شغل تجربه می‌کنند و شغلی را که متناسب با ظرفیت آنها باشد، پیدا نمی‌کنند، آنها نمی‌توانند آموزش‌های تکمیلی را دریافت کنند و بدین ترتیب به خانواده خود وابسته می‌شود. (ادگار^۲، ۱۹۷۸؛ نیل و همکاران^۵، ۱۹۸۸).

انتقال موفق و هموار به زندگی بزرگسالی برای هر نوجوانی مشکل می‌باشد. افراد ممکن است مسیرهای متفاوتی را به زندگی بزرگسالی پیدا کنند. هدف ما باید فراهم نمودن کمک‌های خاص مورد نیاز برای نوجوانان و جوانان دارای ناتوانی باشد تا به آنها کمک شود مستقل تر و مولدتر باشند و تا حد ممکن در جامعه تلفیق شوند. یکی از چالش‌های اساسی آموزش در سال ۱۹۹۰ اندیشیدن در ارایه برنامه‌ای مؤثر جهت پاسخگویی به نیاز دانش‌آموزان در مسیر زندگی بزرگسالی می‌باشد و این امر با ارایه کارهای عملی میسر می‌شود. همچنین در حین فعالیت‌های عملی مقدار زیادی دانش و اطلاعات برای دانش‌آموز حاصل می‌شود مثل نامیدن و استفاده از لغات مواد، ابزارها و فرآیند کار، دانش در مورد این که بعضی چیزها چگونه ساخته می‌شوند، مواد اولیه از کجا می‌آیند، مواد و ابزار چقدر می‌ارزد، اندازه‌گیری، توجه به کیفیت و قیمت‌گذاری و... بنابراین تا حد امکان باید فرصت‌هایی فراهم نمود تا از علاقمندی دانش‌آموزان به صنایع دستی، به عنوان نقطه‌ای شروع برای کشف دانش و درک بیشتر از دنیای اطراف استفاده گردد.

کارهای عملی می‌توانند در رشد کلامی و عددی که برای زندگی بزرگسالی بسیار اساسی هستند، مؤثر باشند. دانش‌آموزان دیرآموز نمی‌خواهند که خواندن

بین آنها و فعالیت‌های مورد علاقه‌اشان وقفه‌ای ایجاد کند. گرچه، آموزش عملی می‌تواند در رشد کلامی دانش‌آموزان مؤثر باشد اگر به آنها اجازه داده شود درباره آنچه که انجام می‌دهند صحبت کنند بنابراین آنها تمرینی در توضیح و استفاده از کلمات برای ابزار و مراحل کار خواهند داشت. کارهای عملی، ارتباطات کلامی را بین دانش‌آموزان ایجاد می‌کند به علاوه فقط این مهارت‌ها مورد نیاز زندگی بزرگسالی آنها می‌باشد.

وقتی مهارت‌های شغلی افراد دیرآموز به روشی مطلوب رشد می‌کند، انتقال آنها از مدرسه به جامعه تضمین می‌شود و دانش‌آموزان زمانی که وارد دنیای بزرگسالی می‌شوند و شغلی را برای زندگی خود به عهده می‌گیرند با هیچگونه مشکلی روبرو نمی‌گردند.

آماده کردن دانش‌آموزان برای
استمرار آموزش، مسئولیت‌های بزرگسالی،
استقلال و استخدام، همواره از اهداف
دوره دبیرستان بوده است

در کارهای عملی موقعیت‌های بسیاری برای کاربرد اعداد در اندازه‌گیری و برآورد هزینه‌ها وجود دارد. این نوع دانش اعداد مورد نیاز زندگی بزرگسالی می‌باشد. دانش‌آموزان دیرآموز نیازی به یادگیری جبر، مثلثات ندارند بلکه به مفاهیمی نیازمندند که بتوانند در زندگی بزرگسالی مورد استفاده قرار دهند. اگر آنها از توانایی کاربرد اعداد در اندازه‌گیری و برخی برآوردهای مورد نیاز استفاده کنند، همین حد از دانش ریاضی برای آنها بسنده می‌باشد پس آموزش شغلی برای این گروه اهمیت خاص دارد. کارهای عملی و یا تجربیات

موفقیت می‌کنند، که این امر اعتماد به نفس آنها را پرورش می‌دهد.

۲. انتقال از مدارس حمایتی به استخدام رقابتی را تضمین می‌کند.

۳. با تکمیل آموزش مدرسه ای، انتقال آنها به محیط‌های کاری آسان تر می‌شود.

۴. دانش‌آموزان تجربیات کاری مورد نیاز زندگی بزرگسالی را دریافت می‌کنند.

۵. راه دیگری جزء اخراج شدن از مدرسه را برای آنها ایجاد می‌کند.

یک استراتژی مؤثر آموزش شغلی شامل موارد ذیل می‌باشد:

- فراهم نمودن محیط آموزشی مناسب؛
- فراهم نمودن روش عینی گام به گام؛
- طراحی برای موفقیت؛
- استفاده از تقویت مثبت؛
- استفاده از قوانین و دستورالعمل‌ها.

فراهم نمودن محیط مناسب آموزشی

معلم باید محیط آموزشی مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم کند. اگر محیط آموزشی متناسب با برنامه آموزشی نباشد، یادگیری افراد دیرآموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برنامه‌های آموزشی باید با ثبات و براساس فرآیند نتیجه محور طراحی شده باشد. هر غیر این صورت دانش‌آموزان اشتیاقی به یادگیری نخواهند داشت. موقعیت یادگیری ساختارمند به فراهم سازی محیط آموزشی مناسب برای افراد دیرآموز کمک می‌کند. معلم باید دستورالعمل روشن و گام به گام برای استفاده از هر یک از وسایل به دانش‌آموزان بدهد. هنگامی که در آموزش از اصطلاحات مبهم و گیج کننده استفاده

کاری یا (کارهای تولیدی مفید برای جامعه) باید به طور مناسب جهت آموزش مورد استفاده قرار گیرد تا انتقال از مدرسه به کار و زندگی بزرگسالی با اطمینان خاطر بیشتری انجام شود.

بسیار ضروری است که در مدارس به مسئله آموزش شغلی به طور مؤثری پرداخته شود. اما نحوه آموزش موضوعات شغلی مدارس، خیلی امیدوار کننده نیست. هر مدرسه به ارایه یک یا دو رشته شغلی می‌پردازد و معلمان نیز فقط برای آموزش همین شغل‌ها آماده می‌باشند. اما در کلاس‌ها این رشته‌ها به طور صحیح آموزش داده نمی‌شود. گاهی محدودیت فضای آموزشی مانع از آموزش صحیح می‌شود. گاهی اساس آموزش روش عملی می‌باشد ولی در عمل این اتفاق نمی‌افتد. در چنین مدارسی بچه‌های دیرآموز فرصت مناسبی برای یادگیری پیدا نمی‌کنند و در نتیجه انتقال آسانی به زندگی بزرگسالی ندارند. آنها فرصتی برای موفقیت در موضوعات درسی پیدا نمی‌کنند و چون در دروس نظری ضعیف می‌باشند، این امر محرومیتی برای آنها ایجاد می‌کند که آینده آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا بسیار اساسی است که نه برای انتقال بلکه برای رشد شخصیت دانش‌آموزان، آموزش شغلی مناسب به آنها داده شود. زیرا این امر اعتماد بنفس و تصور خود آنها را بالا می‌برد و آنها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند، جایی که آنها حس نمی‌کنند از سایر افراد عقب مانده‌اند.

آموزش موضوعات شغلی برای دانش‌آموزان دیرآموز فواید بسیاری دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تحت سرپرستی معلم کارهای عملی را به طور مناسب یاد می‌گیرند و تا حد متوسطی احساس

هیچ مرحله یا گامی را نادیده نگیرد. این نوع آموزش موجب تسلط بهتر دانش آموزان بر کار می شود. علاوه بر آموزش گام به گام، معلم باید نظارت بر پیشرفت کار دانش آموز داشته باشد و در مواقع ضروری راهنمایی های لازم را به آنها ارایه دهد. معلم باید اطمینان حاصل کند که دانش آموزان مراحل را به طور متوالی طی می کند. برای آموزش بهتر باید کمک های دیداری و شنیداری مورد استفاده قرار گیرد. نظر به پیشرفت تکنولوژی آموزشی، استفاده از ویدئو برای آموزش موضوعات شغلی به صورت گام به گام بسیار مفید است.

طراحی برای پیشرفت

معلم باید در رویکرد آموزش شغلی عمل گرا باشد و هر آنچه که برای آموزش طراحی می کند انجام آن را برای فرد دیرآموز امکان پذیر بداند. او باید اهداف قابل حصولی را برای دستیابی به صلاحیت شغلی تدوین کند. معلم به آسانی می تواند توانایی ها و محدودیت های دانش آموزان را دریابد و با توجه به پایین بودن تعداد دانش آموزان در کلاس می تواند به همه آنها توجه کافی کند و درک درستی از توانایی ها و نقاط ضعف آنها پیدا کند که این درک به او در طراحی مهارت های قابل حصول کمک می کند.

زمانی که دانش آموزان به اهداف آموزشی دست می یابند، همزمان اعتماد به نفس آنها بالا می رود و احساس می کنند که می توانند به مهارت های بیشتری دست یابند. و این حس باعث می شود آنها مهارت های بیشتری را کسب کنند. اعتماد به نفس موجب می شود آنها به کار علاقمند شوند و وقتی این دو عامل در عمل وجود دارند در آینده تسلط

شود، افرادی که دارای مشکلات یادگیری هستند؛ در فهم هدف از آموزش و اهمیت کار دچار مشکل می شوند. معلم به جای اینکه مانند یک فرد ماهر کاری را انجام دهد باید نقشی تسهیل گر و راهنما داشته باشد. معلم باید از مناسب بودن شالوده کار برای افرادی که در حیطه مهارت شغلی آموزش می بینند، مطمئن باشد. به علاوه او باید محیطی مشارکتی و خود رهبری بین دانش آموزان به وجود آورد.

فراهم نمودن روش عینی و یا نمایشی

معلم آموزش حرفه ای باید یک روش عینی گام به گام همراه با نمایش گام ها را برای آموزش طراحی کند. مهارت های شغلی معمولاً متوالی هستند. بنابراین روش آموزش متوالی به دانش آموزان این آگاهی را می دهد که بدانند چه تکلیفی را باید انجام دهند و خود را به آسانی با آن سازگار کنند. معلم باید توضیحات مربوط به کار را به صورت گام به گام به دانش آموزان ارایه دهد و به نمایش کار بپردازد.



گرچه معلم آموزش حرفه ای در کار خود خبیره می باشد، باید کار را به صورت متوالی انجام دهد و

بیشتری را بر مهارت‌ها به وجود خواهند آورد. همان گونه که ما می‌دانیم هیچ چیزی مانند موفقیت منجر به موفقیت نمی‌شود. پس بسیار اهمیت دارد که آموزگار برنامه شغلی را به گونه‌ای طراحی کند که منجر به موفقیت دانش‌آموز شود.

استفاده از تقویت مثبت

زمانی که یادگیری بهتری قرار است اتفاق بیفتد، استفاده از تقویت مثبت بسیار اهمیت پیدا می‌کند. تقویت مثبت برای دانش‌آموزان دیرآموز قابل اعمال‌تر و مؤثرتر است. پس معلم تا جایی که امکان دارد باید از تقویت مثبت استفاده کند. زمانی که دانش‌آموزی تکلیفی را به درستی انجام می‌دهد، باید مورد تقویت قرار گیرد. وقتی تقویت مثبت به طور باثبات و مناسبی بکار رود برای افراد دیرآموز مؤثرتر است. پاداش نباید ساختگی باشد بلکه باید خاص بوده و عزت نفس دانش‌آموز را بالا ببرد؛ نه اینکه حالت اعانه داشته باشد. جایزه باید بازخوردی به عملکرد صحیح باشد. استفاده از جایزه به خصوص برای دانش‌آموزان کوچکتر و کسانی که در دستیابی به موفقیت بسیار مشکل دارند مناسب است (بروف^۷، ۱۹۸۱) آنچه که مهم‌تر از میزان جایزه است، روش ارایه آن می‌باشد. هافپاکیتیز و الیری^۸ (۱۹۷۷) اعتقاد دارند که جایزه زمانی که مشروط، خاص و باورپذیر باشد به عنوان برانگیزنده کلاسی مؤثر است. بروفی (۱۹۸۱) معتقد است دانش‌آموزانی که عملکرد خوبی دارند نباید برای عملکرد معمولی جایزه بگیرند. ولی دانش‌آموزانی که خوب کار نمی‌کنند، وقتی کاری را بهتر انجام می‌دهند باید جایزه بگیرند. او همچنین عقیده داشت دانش‌آموزان دیرآموز هرگاه موقعیتی پیش‌آمد باید مورد تشویق قرار گیرند.

تقویت مثبت اگر به طور ظریفی داده شود مؤثرتر است مثل یک لبخند، سر تکان دادن و یا یک یادداشت که می‌تواند تغییری را در دانش‌آموزان دیرآموز به وجود آورد و آنها را تشویق کند که بهتر کار کنند.

اسکینر^۹ (۱۹۷۳) و سایر نظریه‌پردازان رفتاری معتقدند دانش‌آموزانی که برای مطالعه تشویق می‌شوند (برای مثال دریافت نمرات خوب و یا تأیید پدر و مادر و یا معلم) در قیاس با دانش‌آموزانی که تشویق با جایزه‌ای را دریافت نمی‌کنند، انگیزه بیشتری برای مطالعه دارند پس بسیار مهم است که معلم، دانش‌آموزان دیرآموز را برای کوشش‌هایشان مورد تشویق قرار دهد حتی اگر نتیجه کار آنها موفقیت‌آمیز نباشد. دانش‌آموزان دیرآموز بدلیل تجارب شکست خود، نیاز به تشویق دارند تا اقدام به انجام تکلیف جدیدی کنند.

فراهم نمودن قوانین و دستورالعمل‌ها

در آموزش شغلی تصریح روی قوانین کارگاه و مسایل ایمنی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. معلم باید چارنی از این قوانین را در منظر دید دانش‌آموزان بگذارد. مقررات برای دانش‌آموزان باید کاملاً روشن بوده و به آنها آموزش داده شود که با جدیت مقررات را رعایت کنند. معلم باید دستورات کتبی برای استفاده از ماشین و یا وسایل کار فراهم کند و روی نکات ایمنی کار تأکید داشته باشد. همچنین معلم باید درحالی که با قاطعیت دانش‌آموزان را به اجرای قوانین وامی‌دارد، با خوش رویی به رفتارهای نامناسب آنها واکنش نشان دهد. گرچه از معلم انتظار می‌رود که صمیمی و مهربان باشد ولی نباید در اجرای مقررات نسبت به بچه‌ها آسان بگیرد. بدون

تبعیت از قوانین، دانش آموزان نمی‌توانند هیچگونه پیشرفتی در آموزش شغلی داشته باشند.

نقش معلم

نقش معلم در آموزش نوجوانان دیرآموز بسیار مهم و حیاتی است. آموزش به افراد دیرآموز بسیار با ارزش و رضایت بخش است و وقتی پیشرفت تدریجی آنها را مشاهده می‌کنیم، رشته‌های شغلی از مواردی هستند که دانش آموزان می‌توانند در آن پیشرفت خوبی را از خود نشان دهند. هنگامی که با همراهی معلمان، افراد دیرآموز وارد دنیای بزرگسالی می‌شوند آنها می‌توانند نتیجه کار خود را ببینند و این امر به معلمان با پشتکار و ایثارگر رضایت شغلی زیادی می‌دهد.

دانش آموزان دیرآموز از تدریس خوب، حمایت مثبت و راهنمایی مناسب معلمان بهره می‌برند. تدریس خوب بدون حمایت‌های مثبت تکمیلی و راهنمایی‌های درست اثر مطلوبی روی دانش آموزان نخواهد داشت.

علاوه بر تدریس درست، رفتار حمایتگرانه معلم موجب می‌شود دانش آموزان مهارت‌های خود را در آموزش شغلی رشد بدهند. درگیر شدن معلمان در آموزش برنامه‌های شغلی مستقیماً منجر به پیشرفت دانش آموزان می‌شود معلمان نباید اهداف سطح بالایی را برای دانش آموزان در نظر بگیرند بلکه باید اهدافی را تنظیم نمایند که برای آنها قابل حصول باشد و همچنین باید دانش آموزان را تشویق کنند که اهدافی را برای خود تنظیم کنند. یکی از اصول اساسی ایجاد انگیزه این است که افراد برای اهدافی که خود انتخاب نموده‌اند، تلاش بیشتری می‌کنند تا اهدافی که از طرف دیگران برای آنها تنظیم شده

است معلمانی که با این دانش آموزان کار می‌کنند نباید از سرمایه‌گذاری روی این امرشکست بخورند. وقتی دانش آموز اهدافی را برای خود انتخاب می‌کند، انگیزه و حس مسئولیتی پیدا می‌کند تا کوشش بیشتری برای دستیابی به موفقیت از خود نشان دهد و وقتی پس از چند سال معلمان ورود دانش آموزان را به زندگی بزرگسالی ببینند و شاهد عملکرد خوب آنها در جامعه باشند حس رضایتی از نحوه آموزش خود پیدا می‌کنند.

معلمان باید بدانند که نوجوانان فشارهای زیادی رابه طرق شخصی و یا از طرف فامیل و گروه همسالان تحمل می‌کنند (اسکوارتز، ۱۹۸۳)^{۱۰} لذا آنها باید به نوجوانان یاد بدهند که به طریق منطقی با این فشارها روبرو شوند.

افراد دیرآموز بیش از همکلاسی‌های خود به کمک و راهنمایی معلمان نیاز دارند. معلمان چه از طریق آموزشهای رسمی و چه از طریق تعامل‌های غیررسمی باید بتوانند با نیازهای دانش آموزان خود برخورد کنند، به این نیازهای توان از طریق راه‌های ساده‌ای پاسخ داده شود مثل:

- ✓ در نظر گرفتن اهدافی که برای دانش آموزان قابل دستیابی است؛
- ✓ نوشتن دستورات نوشتاری برای استفاده از هر نوع ماشین و یا ابزار آلات؛
- ✓ جلب توجه دانش آموزان، گاهی اوقات این جلب توجه با نشان دادن دانش آموز نزدیک معلم و یا از طریق تماس جسمی حاصلی می‌شود؛
- ✓ آهسته تر و با صدای نرمال صحبت کردن؛
- ✓ استفاده زیاد از وسایل دیداری و شنیداری، اورهد و... برای شرح و توضیح مطلب بسیار مناسب بوده و انتقال مفید آموزش را از نقطه آغاز تا دریافت

تلاش کنند. زیرا بسیاری از افراد دیرآموز از حد آموزش شغلی فراتر نخواهند رفت. آموزش شغلی از حیطه‌هایی است که آنها می‌توانند موفقیت نسبی در آن داشته باشند و موجب انتقال آنها از مدرسه به جامعه می‌شود. پس باید آموزش شغلی را به عنوان بنیایی که آنها بتوانند آینده خود را روی آن پی‌ریزی کنند، مورد توجه قرار دهند در آموزش شغلی موثر، معلمان نه تنها آموزش می‌دهند بلکه در دانش آموزان خود اتکایی، عزت نفس و شهروند خوب بودن را به وجود می‌آورند.

معلمان باید بدانند که نوجوانان فشارهای زیادی را به طرق شخصی و یا از طرف فامیل و گروه همسالان تحمل می‌کنند

پس با حمایت معلمان، افراد دیرآموز می‌توانند برای زندگی مستقل آماده شوند و به استفاده از وسایل تکنولوژی، مجهز شوند و وقتی که معلمان موفق می‌شوند که دانش‌آموزانی خود حمایت‌گر و اجتماعی تربیت کنند؛ نه تنها به افراد دیرآموز کمک می‌کنند بلکه در کل به ملت کمک می‌کنند. زیرا آنها به تربیت نیروی انسانی کمک می‌کنند که برای رشد کشور و ملت مورد نیاز است.

1. Morsink
2. Hendrick, Macmillan & Balow
3. Wolman, Bruininks & Thurlow
4. Edgar
5. Neel, meadows, Levine and edgar

آن، توام با هیجان می‌کند؛
 ✓ استفاده از روش‌های مختلف تدریس و مناسب سازی‌های مواد آموزشی، تجربیات کاری و اکتساب مهارت‌ها در آموزش شغلی باید مورد تأکید قرار گیرد و زمان بیشتری باید به کارهای عملی داده شود؛
 ✓ تقویت رفتارهای مثبت، تقویت مثبت موجب استحکام رفتار می‌شود.

در بیشتر مواقع افراد دیرآموز مانند سایر افراد هستند آنها معمولاً آرزوها، نیازها و هیجان‌های افراد همتا را دارند معلمان باید با این گروه به طریق معمولی تعامل داشته باشند و سطح نرمالی از موفقیت و رفتار را انتظار داشته باشند. انتظار موفقیت سطح بالا از دانش‌آموزی که میزان یادگیری کمی دارد، بی‌فایده می‌باشد.

نوجوانان دیرآموز معمولاً در حیطه‌های مختلف زندگی معمولی هستند و اگر با آنها درست برخورد شود، بطور مناسب پاسخگو خواهند بود. معلمان باید بدانند که این دانش‌آموزان نیاز به بنیان محکمی دارند که آینده خود را روی آن بسازند و معلمان دروس نظری و عملی افرادی هستند که می‌توانند بلوک‌های این نیاز را بسازند معلمان باید به نقش اساسی خود پی ببرند و برای آموزش شغلی موثر

زیر نویس‌ها:

6. Supw
7. Brofhy
8. Hafpakti TISTis et al, O'leary
9. Skinner
10. Schwartz

منبع :

Aksuma .R. Ramar & Adha G. Lokan.(2003). Slow Learners : Their Psychology and instruction . ' Chapter8'